

مصاحبه؛ نمایش

بازیگری و کارگردانی مصاحبه کننده در اجرای نمایش - مصاحبه -

نوشته فریدون صدیقی

نمای معرف

این مقاله می‌کوشد از منظری دیگر به مبانی و تکنیک‌های مصاحبه نگاه کند. به موضوعی که عناصر و روش و تکنیک‌های متعارف و کلاسیک و مکرر دارد.

مقاله می‌کوشد از منظری دیگر مصاحبه کننده را به مرور و تأمل به انجام یک مصاحبه عمقی، چالشی رو در رو وا دارد و در بیان موضوع به هیچوجه ادعای کامل و جامع بودن صورت بندی‌های مختلف انجام مصاحبه را به مثابه اجرای یک نمایش ندارد. تنها و تنها می‌خواهد به زمینه‌ها و بسترهای معمول و جاری انجام مصاحبه از زاویه‌ای دیگر بنگرد و بدیهی است تکمیل این زاویه دید نیازمند گسترش و بسط بیشتر موضوع پیشنهادی دارد که نویسنده در صدد این کار و امیدوار است روزی آن را کامل کند.

نویسنده می‌خواهد از همین زاویه و در پرهیز از تکرار آنچه که تاکنون به کمال در حوزه گزارش نویسی، مقاله نویسی، خبرنگاری، تیترو نویسی و روزنامه نگاری تخصصی بیان شده، بنگرد. چرا که معتقد است توسعه ارتباط صوتی و تصویری بی تردید آثار منفی و مثبتی در روزنامه نویسی مکتوب بجای گذاشته است و به همین دلیل می‌باید اکنون گزارش نویسی، خبرنگاری، تیترو نویسی، مصاحبه و روزنامه نگاری تخصصی را متأثر از صوت و صدا و کارکرد تصویر، به تولید و عرضه رساند.

بر همین پایه نویسنده متأثر از کارکرد نور، صدا، تصویر و حرکت در سینما و تلویزیون،

- پازل تیتیر نویسی در پرتو نور، صدا، حرکت
- گزارش نویسی؛ پلان، سکانس
- روزنامه نگاری تخصصی؛ سکانس، فیلم
- خبر؛ تیزر
- یادداشت؛ پلان، نمای بسته
- سرمقاله؛ پلان، نمای متوسط
- مقاله؛ پلان، نمای باز

نویسنده پیش از این موضوع بند الف را در دو صفحه ویژه‌نامه روزانه روزنامه همشهری به مناسبت جشنواره مطبوعات در ۲ سال پیش با عنوان "قطعاتی برای تکمیل پازل تیتیر نویسی در ایران" چاپ کرده است که در آن به کارکرد تیتیرهای حرکتی، تیتیرهای توصیفی، تیتیرهای توصیفی حرکتی و تیتیر دیالوگ پرداخته است و از تاثیر متقابل تیتیر در مطبوعات و عنوان فیلم در سینما نمونه آورده است.

نویسنده یادآور می‌شود عنایت این مقاله به مصاحبه تک موضوعی، عمقی و چالشی، رو در رو و یک مصاحبه کننده و یک مصاحبه شونده است و با میل و افتخار پذیرای پیشنهاد و انتقاد در تکمیل این مقاله که فشرده‌ای از آن را می‌خوانید و نیز موضوعات یاد شده بالا است.

حرکت، چیزی جز گفتن نیست. این مفهوم، عده‌ای در صحنه تئاتر است. در تئاتر حرکت بر کلام مقدم است، چون حرکت به کلام حداکثر شدت و تاثیر را می‌بخشد. آیا این قاعده می‌تواند بر صحنه یک مصاحبه دلالت کند؟

پاسخ البته مثبت است. در جریان یک مصاحبه. مصاحبه کننده و مصاحبه شونده موضوع یا موضوعاتی را برای رسیدن به هدف پیش می‌برند. در صحنه مصاحبه، مصاحبه کننده به واقع بازیگر اصلی است، چون می‌باید کنترل مصاحبه شونده و نیز حرکت موضوع در جریان پرسش و پاسخ را به عهده داشته باشد. به این ترتیب مصاحبه کننده بازیگر کارگردان است. بنابراین او می‌باید بر سکوت‌ها چیره شود، سکوت‌ها را بشکند. گرچه گفته‌اند سکوت حصاری دور حکمت است و نیز گفته‌اند در سکوت پیامی است که در هیاهو نیست. اما

این گفته بخشی از صورت وضعی میزانشن را در سینما و نیز تئاتر تعریف می کند. یعنی مصاحبه کننده و مصاحبه شونده. عناصری از میزانشن برای انتقال پیام هستند. حرکت آنها در صحنه؛ سکوت، حرکت سکوت، حرکت وضعی بدن و حرکت وضعی کلام را تبیین می کنند.

پیام ساده آنچه را که گفتیم، مرور می کنیم؛

حرکت و سکوت در مصاحبه، اهمیتی تعیین کننده در طول مصاحبه ای دارد که قاعدتا سکوت به مثابه مرگ مصاحبه است. بنابراین مصاحبه کننده می باید با کارکرد منطقی سکوت و حرکت مصاحبه شونده از پیش آشنا باشد و یا در طول مصاحبه به شناخت راهبرد و کارکرد هر دو اینها برسد تا بتواند مصاحبه ای جذاب و نتیجه بخش فراهم کند.

می دانیم موفقیت و جذابیت یک مصاحبه در گرو سه عامل است:

- توانایی های مصاحبه کننده

- توانایی های مصاحبه شونده

- شرایط محیطی مصاحبه

در اینجا فرض را بر آن می گیریم مصاحبه شونده نسبت به شناخت موضوع مصاحبه و نیز پاسخگویی به همه پرسش ها آمادگی و توانایی دارد. براساس همین فرض اولیه، مصاحبه کننده را هم کسی می دانیم که موضوع مصاحبه را به درستی می شناسد و با ظرفیت زمانی، مکانی، مدت و موقعیت تعیین شده برای مصاحبه آشناست و قادر به پیشبرد و انجام یک مصاحبه موفق و جذاب است، یعنی مصاحبه را در کنترل و هدایت خود دارد و به این ترتیب در صحنه برگزاری مصاحبه - صحنه نمایش - او بازیگر و کارگردان موفق است.

اکنون پرسش این است، چقدر از موفقیت این مصاحبه مرهون شناخت سکوت و حرکت مصاحبه کننده است. با این فرض که خود نسبت به کارکرد سکوت و حرکت خود، شناخت، مهارت و تسلط و قدرت هدایت دارد.

می دانیم لازمه انجام یک مصاحبه موفق که با کنترل و هدایت موضوع از سوی مصاحبه کننده پیش می رود در عنایت و فهم عناصر زیر است.

الف: شناخت موضوع

ب: شناخت قبلی مصاحبه شونده از نظر موقعیت اجتماعی، حقیقی و حقوقی

مجرد؟ زیاست یا زشت، کوتاه یا بلند و ...

این شناخت به ما کمک می کند که در بزنگاه ها و عطف هایی که مصاحبه به بن بست می رسد - بخواست مصاحبه شونده و به دلایل مختلف، از جمله آن که احساس می کند رازگشایی از موضوع مصاحبه، پاسخ دادن به همه پرسش ها، امنیت حرفه ای، سازمانی و یا گروهی او را به مخاطره می اندازد- می تواند کلید خروج از بن بست مصاحبه باشد.

همه این دانستگی ها، توقع و انتظاری است که ما از کارگردان نمایش و کارگردان سینما نسبت به کنترل بازیگر و پیشبرد موضوع - داستان - داریم. او است که با شناخت قابلیت بازیگر و موضوع، میزانسین را طراحی می کند. اوست که به بازیگر می گوید چگونه کنش و واکنش نشان دهد. این کنش و واکنش در جریان یک مصاحبه رو در رو - عمقی، چالشی - باید از سوی مصاحبه کننده - بازیگر و کارگردان مصاحبه - کاملاً آگاهانه باشد. کنش و واکنش های مصاحبه کننده در جریان و روند مصاحبه بروز می کند. همچنانکه می باید او در جریان و روند مصاحبه . کنش و واکنش های مصاحبه شونده را از پیش فرض کرده یا در خلال مصاحبه براساس کنش و واکنش ها، به کنترل و هدایت و پیشبرد موضوع مصاحبه- تسلط بر میزانسن و تغییر آن - دست بزنند. فراموش نکنیم. مصاحبه کننده ، مصاحبه شونده، وسایل صحنه، مکان و زمان مصاحبه- شرایط مصاحبه- اجزای میزانسن هستند. بنابراین بازیگر و کارگردان با وقوف به اجزای میزانسن، حرکت جزئی عناصر- تغییر مکان، گذشت زمان، جابه جایی خود و مصاحبه شونده- و نیز حرکت کلی میزانسن موضوع مصاحبه را برای رسیدن به هدف از مصاحبه پیش برد.

کنش و واکنش ها می باید مصاحبه کننده -بازیگر و کارگردان- را به تحلیل، کنترل و هدایت مصاحبه برساند.

توضیح را با مثال پیش ببریم.

شناخت نحوه حرکت و رفتار، گفتن، نشستن، جابه جایی، استفاده از دست، نگاه ، میمیک، همه اینها مصاحبه کننده را در به نتیجه رسیدن کمک خواهد کرد.

می دانیم وضع و حالت شانه ها، نشانه ای برای سنجش عمق عواطف و احساسات است. اگر کسی به شما بگوید، عاشقم یا خوشبختم یا رنج می برم و شانه هایش به همان حالت اولیه باقی بماند سخنش را باور نکنید.

گیرد نشانه یک احساس و حالت دفاعی است و به سببی که اریج ها از بدن فاصله می گیرند نشانه هرچه بیشتر اعتماد به نفس و تهاجم است.

نتیجه؛ مصاحبه کننده باید با زبان حرکت؛ نشانه ها، علایم و مفاهیم حرکت آشنا باشد. این آشنایی به او کمک می کند تا خودش حرکات شده ای داشته باشد و حرکات مصاحبه شونده را نیز روانشناسی کند.

نکته؛ حرکات بالاتر از کلام است. با کلمه نیست که می توانیم دیگری را متقاعد سازیم، بلکه شیوه بیان کلمه است ما را در چنین کاری موفق می سازد. حرکت، بیان ما فی الضمیر است، بیان متقاعد کننده و کامل، گاهی ده ها صفحه کاغذ هم قادر به بیان آن چیزی نیست که با یک حرکت ساده می توان بیان داشت. در حرکت، هستی به کمال می شکند. به معنای دیگر حرکت، روح است و کلام جز حرف و کلمات نیست.

یادآوری؛ آیا در مصاحبه فقط حرکت است که مصاحبه را پیش می برد؟ قطعاً خیر! اما لحن و آهنگ کلام؛ حس و کنش درونی ما را می سازد که تظاهر بیرونی می یابد. پس...

* لحن آیا حرکت است؟

- بله! چون صدا، حرکت است.

* لحن بیانگر تیپ است یا شخصیت؟

- لحن بیانگر شخصیت است و این صداست که گویای تیپ است.

نتیجه اول یادآوری؛ جنس صدا را و لحن را باید شناخت. ظرفیت، وزن، شدت و قدرت صدای مصاحبه شونده را در کنش ها و واکنش ها باید دریافت. لازمه دریافت، شناخت قابلیت های صداست. پس ضرورت شناخت، یک اصل جدی و قطعی در کار نمایشی - مصاحبه - است.

نتیجه دوم یادآوری؛ هر کدام از اعضای بدن بازگو کننده و بیانگر سهمی از فضایی است که بدان تعلق دارد و به نسبت آنکه حرکات اعضای بدن چه صورت وضعی دارد، یا می آفریند، به قضاوت کنش و واکنش صاحب حرکت می پردازیم یعنی، منش حرکت بیانگر احساس درونی است.

پس بازیگر (مصاحبه کننده) قادر به کنترل احساس درونی خود است. مصاحبه کننده - بازیگر - کارگردان هم هست.

ب؛ کنش و واکنش حرکتی مصاحبه شونده را تحلیل و آن را در جهت پیشبرد موضوع مصاحبه برای رسیدن به هدف، کنترل و هدایت کند.

حرکات چگونه بروز پیدا می کنند؟

فرانسوا دلسارت، رقصنده و مدرس نامی رقص (۱۸۷۱-۱۸۱۱) می گوید: حرکات اعضای بدن به سه شکل ظاهر می شوند؛

۱- حرکات متباین، یعنی حرکاتی که دو عضو بدن در یک لحظه اما در دو جهت مخالف به جنبش در می آیند این نوع حرکات از حداکثر شدت و کمال قدرت بیان برخوردار است.

۲- حرکات متوازی، یعنی حرکاتی که دو عضو بدن همزمان و در یک جهت به حرکت در می آیند. این حرکت از نظر قدرت بیان، حرکت ضعیفی است حرکتی که به نشانه التماس و خاکساری بیان می شود.

۳- حرکات متناوب؛ حرکاتی است که تمام بدن را طی می کند هر ماهیچه و هر استخوان و مفصلی را به جنبش در می آورد. این حرکات ویژه بیان کامل عواطف است.

نکته؛ حرکات غیر ارادی نمی تواند دروغ باشد. حرکات، کمترین ترس و تسلیم ما را برملا می سازد. مصاحبه کننده - بازیگر، کارگردان انجام مصاحبه می باید قادر به کنترل حرکات خود باشد پس گاه ممکن است به ناچار دروغ بگوید، دروغ او مصلحت آمیز و در جهت پیشبرد موضوع مصاحبه برای رسیدن به هدف است. پس او همچنین وقتی که حرکات مصاحبه شونده را کنترل و هدایت می کند می تواند به دروغگویی یا راستگویی او پی برد! چون منشا حرکت را می تواند تشخیص دهد. حرکت برای بیان راستی هاست یا دروغ ها؟

پرش

آیا مصاحبه کننده- بازیگر، کارگردان- از مصاحبه شونده- بازیگر تحت کنترل مصاحبه کننده- اعتراف می گیرد؟

- بله و خیر!

آیا مصاحبه کننده بازجو هست؟

- بله و خیر! بیشتر توضیح می دهم مصاحبه کننده - بازیگر، کارگردان - به عنوان مصاحبه

مرتبت قانونی و نه عرفی دارد. می تواند با اختیارات قانونی به شیوه ای که مجاز می داند و در طول زمانی دلخواه، از مصاحبه شونده - متهم - بازجویی کند. اما مصاحبه کننده فاقد چنین جایگاهی است و البته مصاحبه شونده هم، متهم نیست. مصاحبه کننده همچنین نمی تواند خود زمان و مکان و مدت مصاحبه را به مصاحبه شونده تحمیل کند. حداکثر می تواند پیشنهاد دهد و مصاحبه شونده می تواند نپذیرد. اصلا می تواند مصاحبه نکند. اما بازجو می تواند زمان، مدت و مکان و شرایط را به متهم، بقبولاند و تحمیل کند. یعنی متهم در برابر بازجو تسلیم است. در حالی که در مصاحبه، مصاحبه شونده تسلیم نیست، مختار است. آزاد است.

پس وجه مشترک مصاحبه کننده با بازجو در چیست؟

- در درک و فهم موضوع مصاحبه یا بازجویی و نیز به هدف رساندن موضوع مصاحبه

یا بازجویی!

در هر حال - مصاحبه کننده، بازجو نیست!

- صد درصد اما...

اما چی؟

- اما هر دو با حرکت، روانشناختی شخصیت و جامعه شناختی موضوع و هدف از مصاحبه یا بازجویی آشنا هستند. یا می باید باشند و البته فراموش نکنید لحن بازجو تحکمی و دستوری است در حالیکه لحن مصاحبه شونده در تعادل و توازن با مصاحبه شونده است.

پس هر دو باید با شناخت و کاربرد تکنیک در مصاحبه یا بازجویی آشنا باشند!

- صد درصد! مثلا با مولفه های چهره شناسی. حرکات شناسی! با میزانسن مصاحبه یا

بازجویی. باید مصاحبه شونده و یا متهم را آنالیز کرد.

این یعنی بازیگر کارگردانی در هر سه وضعیت؛ انجام مصاحبه یا انجام نمایش و یا

انجام بازجویی؟

- همینطور است، انجام مصاحبه و انجام بازجویی، انجام یک نمایش است.

پس چهره شناسی و حرکت شناسی مصاحبه شونده یا متهم در هر دو نمایش بسیار

حائز اهمیت است؟

- همینطور است. این گفته جبران خلیل جبران را که می گوید: "من چهره ها را می شناسم،

و چهره‌های برسیم. البته مشروط بر آنکه مولفه‌ها و نشانه‌ها را بشناسیم.

یک مثال می‌تواند مسئله را توضیح دهد!

- بله. اما اجازه دهید. این توضیح را پیش از آوردن مثال، عنوان کنم؛ حرکات انفجار آمیز، شادمانه، توقف‌های ناگهانی، تکان‌های متناوب، لرزش‌های پیاپی، همه اینها به بیان اهداف می‌پردازند. همانطوری که خشم، همانطوری که مشت. همانطوری که اشاره دست. همانطوری چشم بستن یا باز کردن آن.

لا بد به همین دلیل است که در تئاتر حرکت بر کلام مقدم است.

- بله! چون حرکت به کلام حداکثر شدت و تاثیر را می‌بخشد.

قرار شد مثال بزنید!

- بله، اجازه بدهید بگویم، حرکت چیزی جز گفتن نیست. وقتی عموماً و غالباً با دست و سر و نگاه، بیان مطلب می‌کنیم. پس نتیجه می‌گیریم بالا تنه سرچشمه و مرکز اصلی بیان عواطف است و همینجا دوباره تاکید می‌کنم که مصاحبه کننده؛ بازیگر کارگردان نمایشی به نام مصاحبه‌رو در رو با مصاحبه‌شونده است و این یعنی شناخت و توجه به شرایط و موقعیت مصاحبه؛ میزاسن و این یعنی توجه به زمان، مدت و مکان مصاحبه. در نمایش، نور، جهت حرکت، صدا و سکوت کارکردهای تعریف شده و هدفمندی دارند که نکته این مقاله اینجا هم هست. ما درون میزاسن ثابت هستیم؟- یا درون میزاسن متغیر؟ هر یک از دو موقعیت، تاثیر خاص خود را در رسیدن و چگونه رسیدن به هدف مصاحبه - نمایش - دارند.

مثال بزنید!

- مثلاً گفت‌وگو با وزیر اطلاعات و مثلاً درباره فرجام پرونده زهرا کاظمی خبرنگار ایرانی و کانادایی، خوب واضح است در دو صحنه متفاوت، مکان و زمان متفاوت، پیشبرد مصاحبه - نمایش - متفاوت خواهد بود.

صحنه اول؛ با نمای درونی، زمان و مکان انجام مصاحبه - نمایش - ساعت ۸ صبح

وزارت اطلاعات، دفتر وزیر اطلاعات

بدیهی است مصاحبه‌کننده باید زمانی زودتر از موعد مقرر خود را به وزارتخانه برساند. چرا که او از پیش می‌داند بازرسی جدی بدنی خواهی شد و از پیش دغدغه‌ها و استرس‌های کم یا زیاد احتمالی خود را خواهد داشت - بر حسب این که مصاحبه‌کننده با تجربه است یا

کمی خود باخته باشد. بعد از عبور از تونل وضعی، روانی، به اتاق وزیر می‌رسد. در آن اتاق که معمولا وزیر، آن بالا و در موضع قدرت پشت میز نشسته و مصاحبه کننده این پایین است. قاعدتا به ذهن مصاحبه کننده خطور می‌کند که در جاهای مختلف اتاق - میزانشن - میکروفون و دوربین مخفی قرار دارد. پس آنچه که در صحنه است، حتی در و دیوار، به مصاحبه کننده فشار می‌آورد و مصاحبه کننده در پرتو میزانشن و جایگاه مصاحبه شونده فید می‌شود، اما او می‌باید صحنه را بشناسد تا به تدریج خود را باز یابد تا به صحنه برگردد. در این فاصله - زمان تسلط مصاحبه کننده بر محیط - مصاحبه شونده اگر خود آشنا به رسانه باشد، - رسانه‌ای باشد - کنترل و هدایت مصاحبه را به دست می‌گیرد و مصاحبه کننده احتمالا تابعی از متغیری می‌شود که نامش مصاحبه شونده است که بازیگر اصلی است که حالا بازیگر، کارگردان است او موضوع مصاحبه را به سمتی می‌برد که دلخواه اوست. او متغیر است و مصاحبه کننده تابع. او بازیگر، کارگردانی است که موضوع و هدف را به شیوه‌ای که می‌پسندد یا دوست می‌دارد پیش می‌برد و مصاحبه کننده نقش ضبط صورت را پیدا می‌کند. حکم میرزابنویس را می‌یابد و در بهترین حالت بازیگر مکملی است که تنها نقشش، سکوت، سر تکان دادن و آرنج‌های چسبیده به بدن است. چرا؟ چون میزانشن بر مصاحبه کننده غلبه کرده است. او دیگر عنصری غیرفعال از عناصر متعدد میزانشن است که در آن بازیگر کارگردان - مصاحبه کننده - به علت شرایط مصاحبه - و نه موضوع مصاحبه - که فرض را از ابتدا بر آن قرار داده‌ایم که مصاحبه شونده به همه پرسش‌ها در جهت رازگشایی از موضوع پاسخ می‌دهد - کنترل و هدایت مصاحبه را از دست داده است. و به این ترتیب خالق غیرجذاب‌ترین و غیر موثرترین و ناموفق‌ترین نوع مصاحبه شده است.

صحنه دوم، نمای بیرونی؛ همان مصاحبه شونده، همان موضوع. مکان و زمان؛ ساحل چالوس، دم غروب، هوا خنک، صدای باران از دور دست جنگل می‌آید.

اجرای نمایش - مصاحبه - در چنین لوکیشنی که فضا باز، مطبوع و دلپذیر است، قطعا روندی نرم و تسهیل کننده در جهت پیشبرد درام - موضوع - خواهد داشت. شرایط و موقعیت مصاحبه کننده؛ نشسته یا قدم زنان به گونه‌ای است که فرصت و انگیزه پیش برنده به مصاحبه کننده - بازیگر، کارگردان - می‌دهد که به طرح پرسش‌های مورد نظر بپردازد. چرا که فضا به او فشار نمی‌آورد. حرکات بازیگران - مصاحبه و مصاحبه شونده - در روند مصاحبه،

صد، لحن، دست، سر و تن، ریتم و تسلل و پیوستی متوازن دارد. کنش و واکنش های بازیگر دوم نیز - مصاحبه شونده - در پرتو شرایط و موقعیت مصاحبه - نمایش - علیرغم بازکاوی ماجرابی مسئله دار و پرنکته و پرابهام، متأثر از فضا تلطیف شده پیرامونی خواهد بود. فضای حاکم بر پرسش و پاسخ، نرم و گرم خواهد بود. در حالی که در صحنه اول - دفتر وزیر اطلاعات - احتمالا و علیرغم این فرض که مصاحبه شونده آماده پاسخگویی به همه پرسش های اولیه و ثانویه مصاحبه کننده است، فضایی سرد است.

نکته اول؛ در هر دو موقعیت - نمای بیرونی و درونی مصاحبه - مصاحبه کننده می باید کنترل و هدایت موضوع و بالطبع مصاحبه شونده را در دست داشته باشد. اگرچه در صحنه اول ممکن است این کنترل کمتر باشد و او فقط بازیگر باقی بماند، اما در صحنه دوم مصاحبه کننده - بازیگر - در جایگاه کارگردان قرار خواهد گرفت.

نکته دوم؛ هیچ مصاحبه ای - نمایشی - به فرجام موردنظر نخواهد رسید. مگر آنکه مصاحبه کننده - بازیگر کارگردان - از پیش برای موضوع، به مثابه موضوعی نمایشی - درام - طراحی کرده باشد. در این طراحی به تناسب موضوع، هدف، ظرفیت ها و قابلیت های درونی و بیرونی شخصیت بازیگر مکمل - مصاحبه شونده - مکان، زمان و مدت نمایش - مصاحبه - باید مطالعه و ارزیابی، از پیش صورت گیرد و با احتمال تغییر مکان، زمان و مدت مصاحبه، طراحی های متفاوتی از پیش در ذهن مصاحبه کننده - بازیگر، کارگردان - دکوپاژ شود تا مصاحبه - نمایش - به نتیجه مورد نظر برسد.

پرسش؛ آیا مصاحبه کننده - بازیگر، کارگردان - می باید با فن بازیگری و کارگردانی آشنا باشد؟

- بله! مصاحبه کننده - بهتر بگوییم - خبرنگار بازیگر است و اساسا هر کس خود را به قضاوت جمعی می گذارد، میل به بازیگری و نمایش در او هست. مثل همه بازیگران تئاتر و سینما، مثل موزیسین ها، مثل خوانندگان. حتی مثل نویسندگان و مثل شاعران، مثل وزراء، و کلا و روسای جمهوری. بنابراین خبرنگار مثل هر بازیگری می باید ساختمان درام را بشناسد، میزانشن را بشناسد، با ظرفیت های درونی و بیرونی صدا و حرکت آشنا باشد، روی صدا و حرکت خود کار کند. یه صدا و حرکت خود، ریتم، قدرت و وسعت بدهد. خبرنگار - مصاحبه کننده، بازیگر، کارگردان - می باید با روانشناسی شخصیت آشنا باشد و اگر چنین

در ارتباط با موضوع و هدف مصاحبه، ارتقا می‌دهند. او در جریان سند و است در موضوع مصاحبه، به تناسب دامنه ارتباط مصاحبه‌شونده با موضوع، با پرسش‌های ثانویه به گراف شخصیت نزدیک می‌شود. یعنی وجوه مختلف تیپ، واکاوی و به شخصیت ارتقا یابد. ارتقا در تیپ به شخصیت، می‌باید مصاحبه‌کننده را هم در طول مصاحبه دربر گیرد. مصاحبه‌کننده در گفتن، در چگونه گفتن، در حرکت و در چگونگی حرکت، در کنش و واکنش‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های خود - بازیگر، کارگردان - را به نمایش بگذارد. و به این ترتیب با کنترل و هدایت و تسلط منطقی بر کلیه عناصر صحنه، میزانشن - شرایط، مصاحبه‌کننده، مصاحبه‌شونده - مصاحبه‌ای عمقی چالشی، رودر و را - نمایش - با موفقیت به فرجام برساند.

نمایش کامل؛ پرده وقتی باید پایین بیفتد که مصاحبه‌کننده - بازیگر، کارگردان - نمایش را با تسلط و اختیار و کنترل و هدایت خود در رسیدن به هدف به پایان برده باشد.

نمایش ناتمام؛ نمایش با تیپ‌ها، نمایش بدون طرح و توطئه دراماتیک، نمایشی ناتمام و شکست خورده است. □



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی